



The relationship between social factors and the desire for multiple children based on religious and national perceptions among women

Afsaneh Tavassoli , Department of Women and Family Studies, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: afsaneh_tavassoli@alzahra.ac.ir

Fatemeh Omid , Department of Women and Family Studies, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: taeb71@gmail.com

Extended Abstract

Introduction: This study examines the complex relationship between social factors and the desire for larger families among Iranian women, with a particular focus on the role of religious and national identity perceptions. As Iran faces significant demographic challenges marked by a declining fertility rate of 1.71 children per woman in 2020, understanding the cultural and psychological drivers behind reproductive decisions becomes increasingly important. The research specifically targets women who have already chosen to have three or more children, aiming to uncover the underlying motivations that lead to this fertility pattern despite broader societal trends toward smaller families.

Methods: Through a comprehensive survey of 477 married women aged 18–45, the study revealed several critical insights about contemporary Iranian society. Religious beliefs emerged as the most powerful factor influencing fertility choices, with 78.4% of respondents strongly endorsing the view that children represent divine blessings, and 72.7% actively following Quranic recommendations about childbearing. These religious motivations appeared significantly stronger than economic considerations, which typically dominate fertility discussions in Western contexts. The research also uncovered how modern technology interacts with traditional values, showing that women's engagement with virtual spaces both reinforces religious perspectives ($\beta = 0.143$) and increases awareness of national population policies ($\beta = 0.224$).

Findings: An unexpected finding concerned the diminishing influence of ethnic traditions on family size decisions. Only 10.7% of participants reported that their local cultural norms affected their fertility choices, suggesting a weakening of longstanding community pressures regarding family planning. Education level played a complex mediating role, with higher education reducing belief in religious fatalism about childbearing ($\beta = -0.193$) while also making women less susceptible to ethnic expectations ($\beta = -0.1$). The study highlighted how Iran's unique combination of Islamic values and modern communication technologies creates a distinctive environment for fertility decision-making, in which religious teachings remain influential but are increasingly interpreted through individual rather than communal frameworks.

Conclusion: These findings have important implications for addressing Iran's demographic challenges. They suggest that effective policies to encourage sustain-



able fertility rates should engage with religious values while respecting women's growing autonomy in family planning decisions. The research demonstrates that simplistic approaches focusing solely on economic incentives or ethnic traditions may prove ineffective, and instead calls for nuanced strategies that acknowledge the sophisticated ways in which Iranian women balance spiritual beliefs, national identity, and personal circumstances when making decisions about family size. The study ultimately depicts a society in transition, where traditional religious values maintain their importance but are being reinterpreted through modern lenses of individual choice and digital connectivity.

Keywords: Religious perception, multi-child tendency, ethnic norm, national perception, Iranian women.



رابطه عوامل اجتماعی و تمایل به چندفرزندگی بر مبنای ادراکات دینی و ملی در زنان

افسانه توسلی^۱، فاطمه امیدی^۲

چکیده

این پژوهش باهدف بررسی رابطه عوامل اجتماعی و تمایل به چندفرزندگی بر مبنای ادراکات دینی و ملی در زنان ایرانی انجام شد. جامعه آماری شامل زنان متأهل ۱۸ تا ۴۵ سال دارای حداقل سه فرزند بود که با روش نمونه‌گیری ترکیبی (هدفمند و گلوله برفی) و از طریق پرسشنامه آنالیز به تعداد ۴۷۷ بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد ادراک از توصیه‌های دینی (با میانگین موافقت ۷۲٫۷-۷۸٫۴ درصد) قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده چندفرزندگی است، درحالی‌که هنجارهای قومیتی کمترین تأثیر را داشتند (۱۰٫۷ درصد موافق). تحلیل مسیر حاکی از آن بود که الگوی سلامت ($\beta = ۰,۱۸۳$) و فعالیت مجازی ($\beta = ۰,۱۴۳$) در تقویت ادراک دینی مؤثرند، درحالی‌که تحصیلات با تضعیف باورهای جبرگرایانه ($\beta = ۰,۱۹۳$) همراه بود. گفتمان سیاسی نیز با ۵۸٫۷ درصد موافقت، نقش مکمل دین را در ترغیب فرزندآوری نشان داد. این مطالعه مؤید آن است که در ایران، سیاست‌های جمعیتی باید بر بازتعریف گفتمان دینی (نه صرفاً قومیتی) متمرکز شوند و رسانه‌ها با تولید محتوای سلامت‌محور، الگوی چندفرزندگی مسئولانه را ترویج دهند.

واژگان کلیدی

ادراک دینی، چندفرزندگی، هنجار قومیتی، ادراک ملی، زن ایرانی.

مقدمه

مسئله باروری و تغییرات جمعیتی در جهان همیشه با شاخص‌های توسعه همراه بوده؛ هرچه کشورها به سمت توسعه‌یافتگی پیش رفته‌اند، نرخ باروری هم در آن‌ها پایین آمده است. بر اساس این رویکرد هر چه میزان رشد جمعیت پایین‌تر باشد، امکان برنامه‌ریزی برای تأمین نیازهای اساسی آن‌ها نیز فراهم‌تر خواهد بود (زنجانی، ۱۳۸۱: ۱۲۶)؛ اما در سال‌های اخیر، نگرش نسبت به این موضوع تا حدودی به موازات شرایط و امکانات هر کشور دستخوش تغییراتی شده است تا بتوان در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی و اهداف اقتصادی، امنیتی و اجتماعی توازن و تناسب برقرار کرد. ایران نیز در این راستا چرخش‌های متفاوتی را در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری داخلی تجربه کرده است. در فاصله سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۰ ایران به سبب تحولات سیاسی - اجتماعی این دهه‌ها و به‌ویژه شرایط ناشی از جنگ، با رشد بی‌سابقه و شتابان جمعیت مواجه شد به گونه‌ای که معدل رشد سالانه جمعیت در این چهار دهه به رقمی حدود ۳ درصد رسید (رستگارخالد، ۱۳۹۶). در همین موقعیت تصمیمات داخلی بر مبنای اشاعه فرهنگ فرزند کمتر، زندگی بهتر تلاش کرد تا خانواده‌ها به سمت کاهش فرزندآوری پیش بروند. به همین روی پس از دهه دوم انقلاب، نرخ موالید کاهش پیدا کرد. به طوری که طبق آخرین سرشماری رسمی کشور (۱۳۹۵) میزان رشد جمعیت به ۱/۲۴ درصد رسید که به نسبت پایین است و دور از ذهن نیست که این میزان به صفر برسد. بر همین اساس کارشناسان حرکت سریع کشور را به سمت پیری و سالخوردگی جمعیت پیش‌بینی کرده‌اند که این امر دغدغه تازه‌ای برای سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران حوزه جمعیت ایجاد کرده است.

اگرچه باروری را باید به‌عنوان یک رفتار اجتماعی در نظر گرفت که ریشه در ساختارها، نگرش‌ها و عقاید جامعه و اقشار مختلف دارد (چمنی، ۱۳۹۵)، اما نمی‌توان تأثیر هنجارهای غالب مرتبط با فرزندآوری در یک جامعه را هم نادیده انگاشت. مسئله باروری در ایران علاوه بر آنکه از عوامل اقتصادی و سیاسی تأثیر پذیرد، در معرض تغییر و تحولات فرهنگی و باورهای دینی و ملی بسیاری قرار دارد و بیش از همه آنچه انگیزه‌ها و تمایلات باروری افراد را شکل می‌دهد، شرایط فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی و فردی نسبت به مسئله فرزندآوری است. با وجود تأثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی بر باروری، پژوهش‌های پیشین در ایران نشان داده‌اند که باورهای دینی (مانند

آموزه‌های اسلامی درباره فرزندآوری) و هویت ملی (مانند گفتمان‌های جمعیتی پس از انقلاب) نقشی کلیدی در ترجیحات فرزندآوری ایفا می‌کنند. این در حالی است که مطالعات اندکی به تعامل این دو متغیر پرداخته‌اند.

براساس یافته‌های دونالد^۱ و همکاران (۲۰۰۵) پویایی الگوی باروری حول سه محور عمده مذهب، قومیت و شرایط اقتصادی-اجتماعی می‌چرخد؛ بنابراین لازم است عواملی که نگرش‌ها و تمایلات را برای داشتن فرزند تحت تأثیر قرار می‌دهد، شناسایی و آن‌ها را مبنای سیاست‌گذاری‌های جمعیتی قرار داد (بندشه، ۱۳۹۵). درواقع با شناسایی عوامل مختلفی که می‌تواند بر تمایل به باروری مؤثر باشد، سیاست‌گذاری‌های مربوط به برنامه‌های جوانی جمعیت که طی سال‌های اخیر در محافل مختلف مطرح شده است، کاربردی‌تر پیش خواهد رفت.

به نظر گیدنز^۲ در جوامع معاصر تکثرگرا، متنوع و در حال تغییر، جایی که همه‌چیز مورد مذاقه قرار می‌گیرد، «خود» به پروژه‌ای بازاندیشانه تبدیل می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸). البته سرچشمه بخشی از این بازاندیشی ممکن است نهادهای معناساز اجتماعی یا تفاسیر خود افراد در تعاملات اجتماعی با یکدیگر باشند (محمودیان، ۱۳۹۱)؛ بنابراین تصورات افراد از خود بر تصمیم به فرزندآوری می‌تواند مؤثر باشد و تصمیم او را در باروری چند فرزند دستخوش تغییراتی کند. با توجه به میزان باروری کل ایران (برای جمعیت ایرانی و غیر ایرانی) با استفاده از داده‌های ثبت‌احوال (ثبت موالید تا وقوع یکسال) و وزارت بهداشت (ثبت موالید اتباع خارجی) و پیش‌بینی‌های جمعیتی مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به ترتیب برابر ۲/۰۷ و ۱/۹۷ و ۱/۷۷ و ۱/۷۱ فرزند است که نشان‌دهنده سیر نزولی فرزندآوری است.

اگرچه عوامل اقتصادی و سیاست‌های دولتی بر باروری مؤثرند، این مطالعه صرفاً بر جنبه‌های فرهنگی-هویتی (دین و ملیت) متمرکز است تا سهم خاص این متغیرها در تمایل به چندفرزندی را جداگانه بررسی کند با توجه به سیر نزولی باروری در ایران و تناقض ظاهری بین باورهای دینی-ملی (ترویج خانواده پرجمعیت) و تمایل عملی به فرزندآوری، این مطالعه به بررسی رابطه ادراکات دینی و ملی با میل به چندفرزندی در زنان می‌پردازد تا نقش این متغیرها را در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی بازتعریف کند. مشخصه این پژوهش این است که جامعه آماری آن زنانی است که دارای ۳ فرزند و بیشتر می‌باشند. از آنجا که زنان به‌عنوان اصلی‌ترین کنشگران فرآیند فرزندآوری، تحت

تأثیر مستقیم هنجارهای دینی و فرهنگی قرار می‌گیرند، این مطالعه بر ادراکات و تجربیات آنان متمرکز شده است.

پیشینه پژوهش

از آنجایی که این پژوهش به دنبال بررسی فرزندآوری زنان است متونی بررسی شده‌اند که عوامل مختلف فرزندآوری را مطالعه کرده‌اند و در انتها وجه تمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌ها نشان داده شده است.

صادقی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی دریافتند رفتارها و ایدئال‌های فرزندآوری گروه‌های قومی مختلف به‌طور معنی‌داری متفاوت است؛ زنان بلوچ و گیلک/مازندرانی به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، اندازه ایدئال خانواده و تمایل به داشتن فرزند دیگر را دارند. نتایج تحلیل چندمتغیره بیانگر تأثیر مستقل و معنادار قومیت در ایدئال‌ها و رفتارهای فرزندآوری است، هرچند مشخصه‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر قومیت بر هنجارها و رفتارهای فرزندآوری را اندکی کاهش داده است. این یافته بیانگر تأیید فرضیه اثر قومی/ فرهنگی است. با در نظر گرفتن اثرات سایر متغیرها، زنان گیلک/مازندرانی ترجیحات و رفتارهای فرزندآوری کمتری داشته و در مقابل، زنان کرد، عرب و به‌ویژه بلوچ ترجیحات و رفتارهای فرزندآوری بیشتری دارند. از این‌رو، قومیت نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ترجیحات و رفتارهای باروری دارد. در نتیجه، توجه به زمینه‌ها و تفاوت‌های قومی باروری در سیاست‌های برنامه‌های جمعیتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

بر اساس یافته‌های تحقیق قربانی (۱۴۰۱)، در هر دو دوره زمانی بررسی شده (۱۳۸۳ و ۱۳۹۴)، ترجیح اکثر افراد به داشتن دو فرزند بوده که به ترتیب ۶۲/۳ درصد و ۴۸/۱ درصد را شامل می‌شود. با این حال، در بازه زمانی مورد بررسی، گرایش به خانواده‌های سه‌فرزندی و بزرگ‌تر نیز رشد قابل‌توجهی داشته و از ۳۰/۸ درصد به ۴۳/۲ درصد افزایش یافته است. تحلیل چندمتغیره داده‌های پیمایش در این دو مقطع زمانی حاکی از آن است که پس از تعدیل اثر سایر عوامل، دو متغیر سطح تحصیلات و مذهب بیشترین تأثیر و تفاوت‌آفرینی را در تعیین تعداد مطلوب فرزندان داشته‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که با گذشت زمان، اگرچه هنوز الگوی دوفرزندی رواج دارد، اما تمایل به خانواده‌های پرجمعیت‌تر در حال افزایش است و عوامل فرهنگی-اجتماعی مانند باورهای دینی و میزان تحصیلات نقش تعیین‌کننده‌ای در این ترجیحات ایفا می‌کنند.

نتایج پژوهش بگی و همکاران (۱۴۰۰) حاکی از آن است که ۳۰ درصد از افراد بدون فرزند و ۴۸ درصد از والدین تک‌فرزند، تمایلی به افزایش تعداد فرزندان خود ندارند. این مطالعه نشان می‌دهد که سطح تحصیلات رابطه معکوسی با تمایل به فرزندآوری دارد، به طوری که با افزایش تحصیلات، میزان تمایل به بچه‌دار شدن کاهش می‌یابد. همچنین، تفاوت‌های مذهبی در تمایلات باروری مشاهده شد؛ به این صورت که اهل تسنن در مقایسه با شیعیان، تمایل بیشتری به فرزندآوری داشتند. علاوه بر این، مردان در مقایسه با زنان، نگرش مثبت‌تری نسبت به افزایش تعداد فرزندان نشان دادند. از دیگر یافته‌های کلیدی این پژوهش می‌توان به تأثیر مثبت رضایت از زندگی و کیفیت روابط زناشویی بر تمایل به فرزندآوری اشاره کرد. در مقابل، مهم‌ترین دلایل عدم تمایل به فرزندآوری در چهار گروه اصلی طبقه‌بندی شدند: دغدغه‌های مربوط به آینده فرزندان (مسائل اقتصادی، اجتماعی و آموزشی)، چالش‌های شغلی و هزینه‌های فرصت (دشواری‌های ترکیب کار و فرزندپروری)، تنش‌های زناشویی و روابط خانوادگی، مشکلات سلامتی و جسمانی.

میرابی و همکاران (۱۳۹۹) به روش پدیدارشناسی و ابزار مصاحبه و پرسش از مخاطبان با بررسی آگاهی و تجربه فرزندآوری ۱۱ زن متأهل به تم‌های مرکزی معنای فرزندآوری، موانع بیش‌ازحد معقول، تجربه فرزند داشتن، تعداد فرزندان معقول، تعداد فرزندان ایدئال، دلایل و موانع فرزندآوری، ترجیح جنسی فرزند، نگرانی از فرزندآوری و نداشتن فرزند، تصور حاملگی، تجربه بارداری، پیروی از الگوی فرزندآوری مادر، دلایل رضایت یا نارضایتی از تعداد فرزندآوری خانواده مبدأ و چگونگی تشویق مادر به فرزندآوری، رسیده است.

باقری و همکاران (۱۳۹۸) دریافتند بررسی تأثیر مؤلفه‌های مدرنیته بر رفتار باروری خانواده‌ها نشان می‌دهد که عواملی همچون تحولات اجتماعی، کاهش نفوذ سنت‌ها، تغییر نگرش‌های مذهبی، انعطاف‌پذیری ارزش‌ها، اولویت‌یافتن منافع فردی، الگوهای مصرفی جدید و منطق حاکم بر جامعه مدرن، همگی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با فرزندآوری تأثیرگذار هستند. این مطالعه همچنین به تحلیل نقش متغیرهای دیگری مانند کاهش منزلت اجتماعی نقش مادری، افزایش هزینه‌های فرزندپروری و پیدایش گزینه‌های جایگزین برای فرزنددار شدن در چارچوب نگرش‌های مدرن می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نگرش‌های دینی، احترام اجتماعی به جایگاه مادری و اهمیت دادن به کارهای خانگی می‌توانند به عنوان عوامل مثبت در افزایش

تمایل به فرزندآوری عمل کنند. در مقابل، ارزش‌های مدرن که بر محوریت فرد تأکید دارند، اغلب به کاهش نرخ باروری منجر می‌شوند. این تقابل بین سنت و مدرنیته، الگوهای باروری در جوامع معاصر را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

دراهمکی و کوشککی (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند که تقویت روابط اجتماعی در شبکه‌های ارتباطی، با کنترل عوامل جمعیت‌شناختی نظیر سن، سطح تحصیلات، سن ازدواج و وضعیت شغلی، موجب افزایش نرخ باروری در زنان مورد مطالعه شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که گسترش فاصله زمانی در تعاملات اجتماعی و همچنین افزایش نقش دوستان و همکاران در شبکه‌های اجتماعی تأثیر بازدارنده بر تمایل به فرزندآوری دارد. در مقابل، تقویت ارتباط با اعضای خانواده هسته‌ای (همسر و فرزندان) تأثیر محرک بر رفتار باروری زنان نشان داده است. به عبارت دیگر، هرچه تعاملات اجتماعی زنان با خویشاوندان نزدیک بیشتر باشد، تمایل به فرزندآوری افزایش می‌یابد، حال آنکه گسترش روابط با غیر خویشاوندان و افزایش فاصله‌های زمانی در ارتباطات اجتماعی، اثر معکوس بر این تمایل دارد. این یافته‌ها بر اهمیت حفظ پیوندهای خانوادگی در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی تأکید می‌ورزد.

حاج علی و همکاران (۱۳۹۷) نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه معنادار آماری بین سه عامل کلیدی (میزان پایبندی مذهبی، سطح حمایت‌های اجتماعی و میزان تحصیلات) با تمایل به فرزندآوری است. بررسی روابط علی از طریق تحلیل مسیر نشان می‌دهد که این متغیرها به شیوه‌های مختلف بر نگرش نسبت به باروری تأثیر می‌گذارند: پایبندی مذهبی تأثیر مستقیم و مثبتی بر تمایل به فرزندآوری دارد. حمایت‌های اجتماعی به صورت غیرمستقیم و از طریق متغیرهای واسطه‌ای بر این گرایش اثرگذار است. سطح تحصیلات دارای اثر دوگانه است؛ هم به شکل مستقیم و هم از مسیرهای غیرمستقیم بر تصمیم‌گیری‌های باروری تأثیر می‌گذارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که فرآیند تصمیم‌گیری برای فرزندآوری تحت تأثیر پیچیده‌ای از عوامل فرهنگی - اجتماعی و فردی قرار دارد که هر یک به شیوه‌ای خاص بر این انتخاب حیاتی اثر می‌گذارند.

شوازی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که با وجود ایدئال دو فرزند در بین پاسخگویان حدود ۴۳ درصد نیز سه فرزند و بیشتر را ایدئال فرزندآوری می‌دانند. همچنین از میان متغیرهای ارزشی نگرشی، دینداری و برابری جنسیتی بیشترین تأثیر را بر ایدئال فرزندآوری می‌گذارند به گونه‌ای که با کنترل متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، نگرش به برابری جنسیتی و دینداری تأثیر

معنادارى بر ترجیحات فرزندآورى افراد داشته‌اند. این پژوهش بیان می‌کند با اینکه تمایلات بارورى تعداد بیشتر از سه فرزند را می‌رساند اما تحقق این امر مستلزم اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی از خانوارها است تا فرزندآورى تسهیل شود. عبداللهی و رحیمی (۱۳۹۶) با پژوهشی به روش تحلیل محتوای کمی و کیفی ۵ خبر با بیشترین مخاطب را بررسی کرده و در این باره مشاهده شد که بسیاری از کاربران بر لزوم فرزندآورى پایین تأکید کرده و معتقدند که داشتن بچه کم به صورت یک ارزش در بطن جامعه نهادینه شده و به عنوان واقعیتهای اجتماعی پذیرفته شده است. صادقی و سرابی (۱۳۹۵) در پژوهشی تأثیر متغیرهای حمایت اجتماعی، اشتغال زنان و پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده برگرایش به باردارى مجدد را بررسی می‌کند که تنها حمایت اجتماعی دارای رابطه معنادار می‌شود.

جین^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی دریافته‌اند، کاهش سریع نرخ بارورى کل در میان اقلیت‌های قومی وهان و روند همگرایی در میان گروه‌های قومی مختلف را در چند دهه گذشته نشان می‌دهد. علاوه بر این، یافته‌ها همچنین ناهمگونی قابل توجهی را در میان جمعیت‌های اقلیت‌های قومی نشان می‌دهد. تجزیه و تحلیل ما، نقش حیاتی زمینه اجتماعی و عوامل سطح کلان در شکل دهی رفتارهای بارورى افراد را بیشتر روشن می‌کند. نتایج، بینش‌هایی را در مورد چگونگی برخورد سیاست‌ها با نرخ پایین بارورى در چین ارائه می‌دهد.

المیر و همکاران (۲۰۲۳) دریافته‌اند طبق یافته‌های تحلیل چند متغیره، مذهب به تنهایی به طور قابل توجهی بر اندازه ایدئال خانواده تأثیر می‌گذارد، حتی زمانی که سایر متغیرهای اجتماعی اقتصادی و جمعیت‌شناختی کنترل شدند. با این حال، هیچ تأثیر معناداری بر قصد داشتن فرزند (فرزند دیگر) در سه سال آینده نداشت؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در ساختار اجتماعی و بافت فرهنگی خاص ایران، مذهب قدرت توضیحی در مورد باورها و ارزش‌های فرزندآورى دارد. علاوه بر این، در مورد قصد و رفتارهای بارورى، عوامل جمعیتی و اجتماعی اقتصادی از مذهب مهم‌تر می‌شوند.

دیاهه و تویبه^۲ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای دریافته‌اند که مسلمانان در بین ادیان مورد بررسی، احتمال بیشتری برای داشتن تعداد فرزندان بیشتر دارند. از نظر دینداری، کسانی که از همه وابستگی‌های مذهبی تر هستند، احتمال یکسانی از بارورى بالا را نشان دادند. علاوه بر این، در حالی که هر دو بعد آیینی و اعتقادی دینداری

1. Jin

2. Diyah & Toybah

به‌طور قابل توجهی با نرخ باروری بالا برای همه وابستگی‌های مذهبی مرتبط هستند، همه ابعاد دینداری تأثیرات قابل توجهی بر باروری برای مسلمانان داشته‌اند. علاوه بر این، اقلیت‌های مسلمان و مسیحی احتمالاً نرخ باروری پایین‌تری نسبت به هم‌متایان خود با وضعیت اکثریت داشتند.

آهینکورا^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان عوامل تمایل به فرزندان بیشتر در میان زنان باردار در جنوب صحرای آفریقا: در رابطه با پیامدهای کنترل باروری نشان داده‌اند که شیوع نسبتاً بالایی در تمایل به فرزندان بیشتر داشتند در زنان وجود دارد. عوامل مرتبط با تمایل به فرزندان بیشتر عبارت‌اند از سن، سطح تحصیلات، تحصیلات شریک زندگی، برابری، استفاده فعلی از روش‌های پیشگیری از بارداری، تعداد ایدئال فرزندان، ظرفیت تصمیم‌گیری، تعداد فرزندان زنده و محل سکونت. مداخلات ویژه بهداشت عمومی در مورد کنترل باروری و آن‌هایی که هدفشان طراحی یا تقویت برنامه‌های باروری موجود در SSA است، باید این عوامل را به‌شدت در نظر بگیرد.

اولاولا^۲ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی عوامل تعیین‌کننده تعداد مطلوب و واقعی فرزندان و خطر داشتن بیش از دو فرزند در غنا و نیجریه را بررسی کردند. با استفاده از بررسی سلامت جمعیت‌شناختی (DHS) در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ که در دو کشور انجام شد، می‌پردازد. سؤال این است که آیا نرخ فرزندآوری در کشورهای جنوب صحرای آفریقا را می‌توان با تغییرات در عوامل مبتنی بر تقاضای باروری مانند برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و برنامه‌های تنظیم خانواده کاهش داد؟ نتایج تحلیل نشان داد که این دو کشور هنوز سیاست سطح جایگزینی را اتخاذ نکرده‌اند. بنابراین، با ایجاد هر شرایط اجتماعی و جمعیتی که از باروری حمایت می‌کند، این کشورهای آفریقایی جنوب صحرا به افزایش میانگین فرزندآوری در هر خانواده، به‌ویژه در مورد نیجریه، ادامه خواهند داد.

بالبو و باربن (۲۰۱۴)^۳ در پژوهشی با عنوان «آیا رفتار باروری در بین دوستان منتشر می‌شود؟» در یک مطالعه طولی تأثیرات غیرخطی دوستان در باروری یکدیگر را مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ و به نتیجه می‌رسد که احتمال فرزندآوری بعد از فرزندآوری دوستان افزایش می‌یابد و تقریباً تا دو سال بعد به اوج می‌رسد و سپس کاهش می‌یابد. همچنین بیان می‌کند که حمایت اجتماعی به شیوه‌های گوناگون می‌تواند در زمان‌بندی فرزندآوری تأثیرگذار باشد.

1. Ahinkorah BO
2. OlaOluwa S
3. Balbo and Barban

مطالعات انجام شده عمدتاً به بررسی تمایلات فرزندآوری و تعداد فرزندان در میان گروه‌های مختلف جمعیتی پرداخته‌اند. در جستجوی انجام‌شده، مطالعه‌ایی که صرفاً زنانی را در نظر داشته باشد که تجربه داشتن چند فرزند را دارند یافت نشد؛ بنابراین در این پژوهش زنانی هدف قرار گرفتند که با داشتن تجربه چند فرزند به سؤالات پاسخ دادند. همچنین علی‌رغم تأکید اکثر پژوهش‌ها بر متغیرهای اقتصادی در تصمیم و تمایل به باروری و چندفرزندی و این موضوع که زوجین بر اساس شرایط اقتصادی خود، تصمیم به فرزندآوری می‌گیرند اما برخی پژوهش‌ها نیز بیانگر این است که متغیرهای دیگری در این تصمیم مؤثرند. از این رو در این تحقیق رابطه چندفرزندی با باورهای مذهبی و ملی بررسی شده است تا علاوه بر متغیرهای اقتصادی تأثیر سایر متغیرهای تأثیرگذار نیز اندازه‌گیری شود.

چارچوب نظری

تحلیل جامع عوامل تأثیرگذار بر نرخ باروری نشان می‌دهد که در سطح کلان، شاخص‌های فرهنگی و متغیرهای محیطی-اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دینی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. از منظر خرد نیز باید به مؤلفه‌های فردی مانند انگیزه‌های شخصی، ترجیحات، باورها و نگرش‌های افراد اشاره کرد که در الگوهای فرزندآوری تأثیر بسزایی دارند.

مطالعه تطبیقی تحولات نگرشی و رفتاری نسبت به فرزندآوری در کشورهای اسلامی مانند ایران، ترکیه، مصر و مالزی حاکی از آن است که عناصر فرهنگی، به‌ویژه ارزش‌های اسلامی، همچنان بر تقویت نهاد خانواده و تمایل به فرزندآوری اثرگذار هستند. این یافته‌ها مؤید آن است که فرآیند گذار جمعیتی دوم دارای الگوی واحدی نبوده و تابع ویژگی‌های فرهنگی هر جامعه است (احمدی، ۱۳۹۱). دورکیم معتقد است گسترش و فشردگی جوامع، وجدان جمعی را به سمت کلی‌تر شدن سوق می‌دهد. این دگرگونی به موازات افزایش تمایلات متغیر و نوسانات شخصی در افراد همراه است. از دیدگاه وی، این تحولات تأثیرات عمیقی بر مؤلفه‌های قدسی و دینی به‌عنوان نظامی منسجم از باورها و کنش‌های مرتبط با امور مقدس و تابوها بر جای می‌گذارد (اسمیت، ۱۴۰۰). عقلانیت مدرن به بسیاری از اصول اعتقادی که پیشتر تغییرناپذیر تلقی می‌شدند نفوذ کرده و درباره مبانی احکام دینی پرسشگری می‌کند. این روند طبیعی است که در چنین فضایی، قواعد ایمانی بخش قابل‌توجهی از نفوذ و

تأثیرگذاری اولیه خود را از دست بدهند (آزاده و توکلی، ۱۳۸۶: ۴).

اعتقادات دینی و مذهبی به عنوان عناصر محوری فرهنگ، نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری ارزش‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. بر اساس چارچوب‌های نظری موجود، میزان پایبندی مذهبی افراد می‌تواند از دو مسیر بر رفتارهای باروری تأثیر بگذارد: نخست، تأثیر بی‌واسطه از طریق دستورات و توصیه‌های صریح دینی که مستقیماً به موضوع فرزندآوری پرداخته‌اند. این تأثیر از طریق نظام هنجاری و مقررات مذهبی که به‌طور خاص درباره تولیدمثل و خانواده وضع شده‌اند، اعمال می‌شود. دوم، تأثیر غیرمستقیم که از طریق تغییر در ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک زندگی ناشی از باورهای دینی حاصل می‌شود. این مسیر تأثیرگذاری به صورت نامحسوس و در بلندمدت، الگوهای باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سیدمن، ۱۳۹۲). دستورات مذهبی درباره زمان مناسب ازدواج، تعداد مطلوب فرزندان و استفاده از روش‌های تنظیم خانواده، تأثیر مستقیمی بر الگوهای باروری دارد. از جنبه دیگر، تفاوت‌های طبقاتی و موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی میان پیروان ادیان مختلف می‌تواند منجر به رفتارهای متفاوت در زمینه فرزندآوری شود. به عبارت دیگر، تأثیر غیرمستقیم مذهب بر نرخ باروری از طریق تعامل با سایر عوامل اجتماعی و اقتصادی تعیین کننده در این حوزه صورت می‌پذیرد (Sandra, 2014). مطابق با نظر همل^۱ (۱۹۹۰) تحلیل رفتارهای باروری نشان می‌دهد که حتی در شرایط اقتصادی-اجتماعی یکسان، تفاوت در باورهای دینی می‌تواند منجر به الگوهای متفاوت فرزندآوری شود. برخی جوامع مذهبی اولویت بیشتری به گسترش خانواده و فرزندآوری می‌دهند، درحالی که برای معتقدان عمیق‌تر، ارزش‌های دینی می‌تواند محرک اصلی در شکل‌گیری ترجیحات باروری باشد که با میانگین جامعه تفاوت محسوسی دارد. این تمایز رفتاری ناشی از جایگاه محوری مذهب در نظام ارزشی افراد است که بر تصمیمات مربوط به تشکیل خانواده تأثیر مستقیم می‌گذارد.

همچنین یکی از متغیرهای موردبررسی در این پژوهش باورهای جبرگرایان است؛ جبرگرایی، پذیرش بی‌چون وچرای وقایع و تسلیم در برابر آنهاست، به این دلیل که وقایع را خارج از حیطه تسلط انسان می‌داند. منظور از جبرگرایی در رفتار باروری، اعتقاد به این امر است که فرزندآوری، خارج از اختیار فرد و کاملاً خواسته خداوند است (حسینی و بگی، ۱۳۹۱: ۹)؛ طبق این تعریف در رویکرد تأثیر قومی فرهنگی،

رفتارهای باروری گروه‌های قومی، در قالب ارزش‌ها و هنجارهای خرده‌فرهنگی تبیین می‌شود و هر گروه قومی به خاطر ارزش‌های فرهنگی خاص خود، رفتارهای باروری متفاوتی را تجربه می‌کند (حسینی، ۱۳۹۰). نظریه لی وین و شاو نیز از نظریه‌هایی است که در تبیین رفتار باروری، به مفهوم فرهنگ و نقش هنجارها و اولویت‌ها در رفتار اشاره کرده است.

دیگر تئوری که باروری را در سطح کلان تبیین می‌کند نظریه نهادی باروری است. این تئوری گرایش به فرزندآوری افراد را در رابطه با نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تحلیل می‌کند؛ یعنی اشکال متعدد انتقال باروری ریشه در ترکیبی از تعامل این نهادها دارد. پس در این رویکرد رفتار باروری به وسیله جلوه‌های جمعی یا انتظارات جمعی مشترک تعیین می‌شود. در نظریه نهادی باروری اهمیت ویژه بافت نهادی عامل اصلی انتقال زودرس جمعیتی است. در صورتی که ممکن است در جامعه دیگر، به‌رغم برنامه‌های تنظیم‌شده در جهت حمایت از تسریع فرآیند انتقال جمعیتی، بافت نهادی به‌صورت مانعی در برابر آن مقاومت کرده و یا آن را به تأخیر بیندازد (عباسی شوازی و عسگری ندوشن، ۱۳۸۴: ۷۵-۲۵).

رفتار باروری به مجموعه تصمیمات و اقدامات مرتبط با فرزندآوری اشاره دارد که شامل مواردی همچون تعداد فرزندان، فاصله سنی بین تولدها، روش‌های تنظیم خانواده و همچنین الگوهای تشکیل زندگی مشترک (مانند ازدواج و همخانگی) می‌شود. این پدیده تحت تأثیر دودسته عوامل خرد و کلان قرار می‌گیرد: از یک‌سو، این رفتار انتخابی فردی محسوب می‌شود که متأثر از ویژگی‌های شخصیتی، ترجیحات فردی، باورها و نگرش‌های شخصی است. از سوی دیگر، این انتخاب‌ها در چارچوب شرایط اجتماعی گسترده‌تری صورت می‌پذیرد که شامل متغیرهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی محیطی، سیاسی و مذهبی جامعه می‌شود. در این میان، نیت باروری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار واقعی فرزندآوری عمل می‌کند. این نیت خود محصول تعامل پیچیده بین عوامل فردی و اجتماعی است که در نهایت الگوهای باروری را شکل می‌دهند (مورگان، ۲۰۱۱، به نقل از شاه‌آبادی، سرایی و خلیج‌آبادی فراهانی، ۱۳۹۵).

به‌طور کلی باید اذعان داشت که بر طبق نظریه اقتصادی و اجتماعی، شرایط اقتصادی و اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در تصمیمات زنان درباره باروری و تعداد فرزندان که می‌خواهند داشته باشند، ایفا کنند. به‌عنوان مثال، اگر شرایط اقتصادی و اجتماعی مناسب برای تربیت و نگهداری فرزندان وجود نداشته باشد، زنان ممکن

است تصمیم به داشتن تعداد کمتری از فرزندان بگیرند. اما نمی‌توان نقش سایر عوامل را در فرزندآوری نادیده گرفت. چنانچه نظریه نقش دین و مذهب در تمایل زنان به چندفرزندی بر این اساس است که باورها و مقدسات دینی می‌توانند تمایلات زنان را درباره باروری و تعداد فرزندان تحت تأثیر قرار دهند. بنا به این نظریه، وجود باورهایی که باروری و تولید نسل را به‌عنوان وظیفه دینی و ملی معرفی می‌کنند، می‌تواند زنان را ترغیب به داشتن تعداد بیشتری از فرزندان کند. نظریه تحول فرهنگی و تغییرات نگرش‌ها نیز بر این اساس است که تحولات فرهنگی و اجتماعی می‌توانند تأثیرگذار بر نگرش‌ها و تمایلات زنان به چندفرزندی باشند. با گسترش آموزش‌های برنامه‌ریزی خانواده و افزایش آگاهی از مسائل بهداشت جنسی و مرتبط با باروری، زنان ممکن است تصمیم به داشتن تعداد کمتری از فرزندان را بگیرند.

بنابراین لازم است در کنار بررسی شرایط اقتصادی، رابطه باورهای دینی افراد، شرایط اجتماعی و فرهنگی را نیز در نظر گرفت زیرا همان‌طور که بیان شد رفتار افراد با گرایش‌های مذهبی مختلف متفاوت عمل می‌کند.

فرضیه اصلی پژوهش

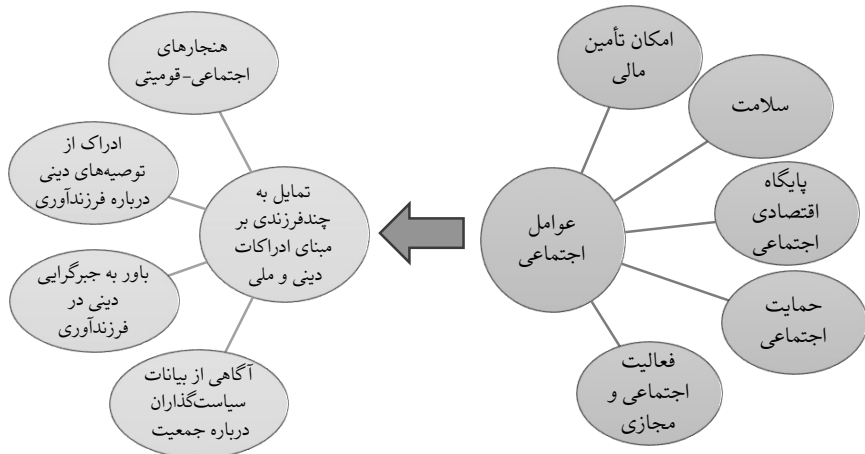
بین عوامل اجتماعی و تمایل به چندفرزندی بر مبنای ادراکات دینی و ملی در زنان ایرانی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیات فرعی:

۱. بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و تمایل به چندفرزندی بر مبنای ادراکات دینی و ملی رابطه معنادار وجود دارد؛
۲. بین امکان تأمین مالی و تمایل به چندفرزندی بر مبنای ادراکات دینی و ملی رابطه معنادار وجود دارد؛
۳. بین حمایت‌های اجتماعی و تمایل به چندفرزندی بر مبنای ادراکات دینی و ملی رابطه وجود دارد؛
۴. بین فعالیت اجتماعی و مجازی و تمایل به چندفرزندی بر مبنای ادراکات دینی و ملی رابطه معنادار وجود دارد؛
۵. بین پیروی از الگوی سلامت و تمایل به چندفرزندی بر مبنای ادراکات دینی و ملی رابطه معنادار وجود دارد.

مدل نظری

مطابق با مدل نظری تحقیق رابطه تمایل به چندفرزندی در زنان با تأکید بر ادراکات دینی و ملی شامل الگوی سلامت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، حمایت اجتماعی، امکان تأمین مالی و فعالیت اجتماعی و مجازی است که به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. متغیر وابسته که تمایل به چندفرزندی بر مبنای ادراکات دینی و ملی است نیز با شاخص‌های ادراک از توصیه‌های دینی درباره فرزندآوری، باور به جبرگرایی دینی در فرزندآوری، آگاهی از بیانات سیاست‌گذاران درباره جمعیت و هنجارهای اجتماعی قومیتی سنجیده شده‌اند.



روش پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به هدف تحقیق که بررسی نیات و رفتار باروری زنان دارای چند فرزند است، از روش کمی پیمایشی و توصیفی تحلیلی استفاده شده است. از آنجاکه آخرین سرشماری نفوس و مسکن متعلق به سال ۱۳۹۵ بوده و اطلاعات آماری بخصوصی در حوزه مادری و کمیت زندگی مادران و تعداد فرزندانشان به صورت واضح در دسترس نیست، جامعه آماری این پژوهش همه زنان دارای همسر در سنین باروری ۱۸ تا ۴۵ ساله کل کشور هستند که این تعداد بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر ۱۰۵۶۸۵۰۴ نفر تخمین زده شد. گفتنی است باوجود پیگیری‌های لازم از مرکز آمار امکان دستیابی به جامعه آماری که شامل تمام زنان دارای سه فرزند و بیشتر در سنین ۱۸ تا ۴۵ ساله باشند وجود نداشت. اما در

هنگام توزیع پرسشنامه در چارچوب این شرایط عمل شد که تنها مادران دارای سه فرزند و بیشتر که به انتخاب خودشان دارای فرزند شده‌اند به سؤالات پاسخ دهند. با توجه به عدم دسترسی به چارچوب نمونه‌گیری دقیق از مرکز آمار، از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی ترکیبی (تصادفی هدفمند در فضای مجازی و گلوله برفی) استفاده شد. پرسشنامه‌ها پس از تأیید شرایط ورود (سن ۱۸-۴۵ سال و داشتن حداقل ۳ فرزند) در شبکه‌های اجتماعی با پوشش ملی توزیع و سپس از طریق معرفی شرکت‌کنندگان توسعه یافت. حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران و با در نظر گرفتن خطای ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شد. همچنین، تلاش شد تا با توزیع پرسشنامه در گروه‌های مجازی متنوع (از نظر جغرافیایی و فرهنگی)، تنوع نمونه حفظ شود. تعداد ۴۷۷ عدد پرسشنامه گردآوری شد و پس از پیش‌آزمون و به دست آوردن ضریب آلفای کرونباخ بالای ۷۰ درصد، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss استفاده شده است.

این پژوهش به بررسی رابطه بین ادراکات دینی و ملی (متغیر مستقل) و تمایل به چندفرزندی (متغیر وابسته) می‌پردازد.

جدول ۱. آلفای کرونباخ متغیرهای وابسته و مستقل

متغیر	شاخص	آلفای کرونباخ
ادراکات دینی و ملی	ادراک از توصیه‌های دینی درباره فرزندآوری	۰/۹۲
	باور به جبرگرایی دینی در فرزندآوری	۰/۹۰
	آگاهی از بیانات سیاست‌گذاران درباره جمعیت	۰/۹۶
	هنجارهای اجتماعی - قومیتی	۰/۹۷
پایگاه اجتماعی اقتصادی		۰/۷۱
حمایت اجتماعی		۰/۷۳
فعالیت اجتماعی و مجازی		۰/۶۹
الگوی سلامت		۰/۸۸

تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به آمار توصیفی تحقیق بیشترین درصد پاسخگویان ۵۷/۲ درصد در گروه سنی ۳۵ تا ۴۵ سال (۲۷۳ نفر) بودند بنابراین بیشتر پاسخگویان در گروه سنی ۳۵ تا ۴۵

سال چندفرزندی را انتخاب کرده بودند. همچنین ۸۲ درصد از افراد (معادل ۳۹۱ نفر پاسخگویان) از ده سال به بالاتر سن ازدواج آن‌ها بوده است.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، با بالا رفتن سن و سن ازدواج، افراد به ایدئال‌های باروری خود که چندفرزندی انتخابی بوده نزدیک‌تر شده‌اند. در این میان ۵۷ درصد معادل ۲۷۲ نفر از پاسخگویان در رده سنی ۲۰ تا ۲۵ سالگی اولین حاملگی خود را تجربه کرده‌اند و ۴۷/۲ درصد معادل ۲۲۵ نفر در ۳۰ تا ۳۵ سالگی آخرین حاملگی فعلی خود را داشته‌اند. با توجه به ویژگی جامعه آماری که زنان دارای سه فرزند و بالاتر است می‌توان گفت افراد تلاش کرده‌اند بافاصله سنی کم و در ابتدای جوانی دست کم سه فرزند خود را به دنیا آورده تا زمانی که به سنین ۳۵ تا ۴۵ سالگی می‌رسند ایدئال باروری‌شان تحقق پیدا کرده باشد.

نتایج به دست آمده از متغیرهای مستقل نشان می‌دهد بالاتر از ۷۰ درصد از پاسخگویان در فرزندآوری قائل به باورهای دینی و توصیه‌های مذهبی بوده‌اند، حدوداً ۳۱ تا ۴۷ درصد باور به جبرگرایی دینی در فرزندآوری، داشته‌اند که نشان می‌دهد این مؤلفه همچنان در جامعه فعلی از عمومیت زیادی در بین پاسخگویان برخوردار است؛ اما یکی از مؤلفه‌های دیگر که در این تحقیق نقش مؤثری داشته، اهمیت توصیه‌های رهبر جمهوری اسلامی و سفارش‌های مربوط به بحران جمعیت کشور بوده است. به همین دلیل بالاتر از ۵۰ درصد نمونه موردنظر که افرادی هستند که عملاً چندفرزندی را رعایت کرده و دارای بیش از سه فرزند هستند، در تصمیم‌گیری خود برای فرزندآوری این امر را مؤثر دانسته‌اند و فقط ۱ تا ۵ درصد کاملاً مخالف بوده‌اند؛ اما نکته حائز اهمیت این است که کمتر از ۱۰ درصد افراد فرزندآوری خود را تحت تأثیر فرهنگ قومیتی خود دانسته‌اند. با توجه به پراکندگی محل سکونت پاسخگویان در کشور می‌توان نتیجه گرفت اولاً عرف چندفرزندی در میان اقوام مختلف کاهش پیدا کرده است و ثانیاً تأثیرپذیری غیر کنترل‌شده از رسوم و شرایط مکانی نیز تغییر پیدا کرده است. علاوه بر اینکه تعداد بسیار کمی علاقه شخصی خود را تنها عامل فرزندآوری‌شان دانسته‌اند.

ادراکات دینی و ملی

فرضیه: به نظر می‌رسد رابطه معناداری بین الگوی فرزندآوری و ادراکات دینی و ملی وجود دارد.

همان‌طور که قبلاً بیان شد شاخص‌های ادراکات دینی-ملی شامل ادراک از توصیه‌های دینی درباره فرزندآوری، باور به جبرگرایی دینی در فرزندآوری، آگاهی از بیانات

سیاست‌گذاران درباره جمعیت و هنجارهای اجتماعی - قومیتی برای فرزندآوری است.

جدول ۲. شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی ادراکات دینی - ملی

نتایج	سطح معناداری	کشیدگی	کاملاً موافقم	موافقم	متوسط	مخالقم	کاملاً مخالفم		
مؤثر	۰/۰۰۰	۱/۹۲	۶۰/۴	۲۹/۶	۸	۱/۹	۰/۲	ادراک از توصیه‌های دینی	در تصمیم من و همسرم برای فرزندآوری توصیه‌های دینی و مذهبی مؤثر بوده است.
مؤثر	۰/۰۰۰	۶/۰۴	۷۸/۴	۱۸/۲	۲/۵	۰/۸	۰	ادراک از توصیه‌های دینی	از نظر مذهبی داشتن فرزند نعمتی است که نباید خود را از آن محروم کرد.
مؤثر	۰/۰۰۰	۴/۸	۷۲/۷	۲۱/۶	۴/۶	۰/۸	۰/۲	فرزندآوری	خداوند در قرآن به فرزندآوری سفارش کرده است و باید به آن عمل کرد.
مؤثر	۰/۰۰۰	۰/۵۶	۴۷/۸	۲۸/۷	۱۶/۴	۵/۲	۱/۹	باور به چهرگرایی دینی در فرزندآوری	تسلیم در برابر تقدیر را در فرزندآوری مؤثر می‌دانم
مؤثر	۰/۰۰۰	-۰/۶۶	۳۱/۴	۲۸/۱	۲۶/۶	۱۱/۳	۲/۵	فرزندآوری	معتقدم تعداد فرزندان باید به خواست خدا تعیین شود
مؤثر	۰/۰۰۰	-۰/۳۸	۴۱/۳	۲۹/۸	۱۶/۴	۱۱/۱	۱/۵	فرزندآوری	معتقدم تعداد فرزندان در سرنوشت من نوشته شده است
مؤثر	۰/۰۰۰	۰/۸۴	۵۳/۵	۲۷/۵	۱۲/۲	۵/۹	۱	آگاهی از بیانات سیاست‌گذاران درباره جمعیت	در تصمیم من برای فرزندآوری توصیه‌های رهبر جمهوری اسلامی در اولویت بوده است.
مؤثر	۰/۰۰۰	۲/۰۷	۵۸/۷	۲۷	۹/۶	۳/۶	۱	بیانات رهبر جمهوری اسلامی	در تصمیم من برای فرزندآوری مبنی بر اهمیت افزایش جمعیت شیعه مؤثر بود
مؤثر	۰/۰۰۰	۱/۶۱	۵۵/۶	۲۸/۱	۱۱/۱	۴	۱/۳	جمعیت کشور	بنا به سفارش رهبر جمهوری اسلامی در تصمیم من برای فرزندآوری بحران جمعیت کشور مهم بوده است.

هنجارهای دینی	۱۶/۴	۳۹/۲	۲۱	۱۲/۸	۱۰/۷	۰/۶۱-	۰/۰۰۰	غیر مؤثر
در تصمیم من برای فرزندآوری فرهنگ قومیتی مؤثر بوده است.	۲۹/۴	۴۱/۵	۱۷/۸	۸	۳/۴	۰/۳	۰/۰۰۰	غیر مؤثر
اگر کسی در اقوام و محیط زندگی ما فرزند کمی داشته باشد مورد سرزنش واقع می شود.	۳۶/۹	۳۸/۶	۱۶/۴	۷/۳	۰/۸	۰/۰۶	۰/۰۰۰	غیر مؤثر

با توجه به جدول ۲ پاسخگویان گویه‌های دینی بالاترین میزان موافقت را نشان می‌دهند: ۷۸/۴ درصد کاملاً موافق با «داشتن فرزند به‌عنوان نعمت الهی»، ۷۲/۷ درصد کاملاً موافق با «عمل به سفارش قرآنی درباره فرزندآوری»، ۶۰/۴ درصد کاملاً موافق با «تأثیر مستقیم توصیه‌های دینی در تصمیم‌گیری». هسته اصلی انگیزه چندفرزندى در زنان ایرانی، باورهای عمیق دینی است که هم جنبه توصیه‌ای (سفارش قرآن) و هم ارزشی (فرزند به‌عنوان نعمت) دارد.

در مورد جبرگرایی دینی موافقت نسبی دیده می‌شود. ۴۷/۸ درصد کاملاً موافق با «تسلیم در برابر تقدیر در فرزندآوری»، ۳۱/۴ درصد کاملاً موافق با «تعیین تعداد فرزندان به خواست خدا»، باور به تقدیر الهی اگرچه وجود دارد، اما کمتر از اصول فعال دینی (مثل سفارش قرآن) تأثیرگذار است. این ممکن است نشان‌دهنده ظهور نوعی عاملیت دینی باشد که در آن زنان بین برنامه‌ریزی شخصی و توکل الهی توازن برقرار می‌کنند.

گفتمان سیاسی تأثیر قابل توجهی را نشان می‌دهد. ۵۸/۷ درصد کاملاً موافق با تأثیر «بیانات رهبر جمهوری اسلامی درباره افزایش جمعیت شیعه»، ۵۳/۵ درصد کاملاً موافق با «اولویت توصیه‌های رهبر جمهوری اسلامی». ادغام گفتمان دینی و ملی در سیاست‌های جمعیتی ایران (مثل شعار «فرزند بیشتر، اقتدار بیشتر») ظاهراً در نگرش زنان مؤثر بوده است. این یافته اهمیت «سیاست‌گذاری دین‌محور» را در تنظیم خانواده نشان می‌دهد. هنجارهای قومیتی فقط با ۱۰/۷ درصد موافق بسیار ضعیف عمل کرده است. ۱۰/۷ درصد کاملاً موافق با تأثیر «فرهنگ قومیتی»، ۷۵/۵ درصد مخالف/کاملاً مخالف با «ترس از سرزنش به دلیل کم‌فرزندى». برخلاف انتظار، هنجارهای محلی و قومیتی کمترین نقش را دارند.

جدول ۳. مقایسه میانگین ادراکات دینی ملی با آزمون تی تک نمونه‌ای (عدد معیار ۳).

ادراکات دینی و ملی	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	
				تفاضل	کمران پایین
ادراک از توصیه‌های دینی درباره فرزندآوری	۶۷/۵۸	۴۷۶	۰/۰۰۰	۱/۶۳	۱/۵۸
باور به جبرگرایی دینی در فرزندآوری	۲۳/۷۱	۴۷۶	۰/۰۰۰	۰/۹۶	۰/۸۸
آگاهی از بیانات سیاست‌گذاران درباره جمعیت	۳۳/۵۸	۴۷۶	۰/۰۰۰	۱/۳۳	۱/۲۵
هنجارهای اجتماعی- قومیتی	-۱۸/۶۲	۴۷۶	۰/۰۰۰	-۰/۷۶	-۰/۸۴

با توجه به جدول ۳ ادراک از توصیه‌های دینی با (آماره تی=۶۷/۵۸، $p > 0.01$) رابطه قوی‌تری را نشان می‌دهد. این متغیر با بیشترین میزان تأثیر (بالاترین آماره تی و میانگین) نشان‌دهنده آن است که توصیه‌های دینی به‌صورت سیستماتیک و قوی‌ترین عامل در تصمیم‌گیری برای فرزندآوری عمل می‌کنند. بازه اطمینان بسیار محدود (۱/۶۷-۱/۵۸) نشان‌دهنده همگنی بالا در پاسخ‌هاست. آگاهی از بیانات سیاست‌گذاران با (آماره تی=۳۳/۵۸، $p < 0.001$) رابطه متوسطی را نشان می‌دهد. تأثیر آگاهی از بیانات سیاست‌گذاران به‌طور معناداری کمتر از عوامل دینی است (میانگین پایین‌تر). بازه اطمینان نسبتاً گسترده‌تر نشان‌دهنده تنوع بیشتر در میزان تأثیرپذیری افراد از این عامل است. باور به جبرگرایی دینی با (آماره تی=۲۳/۷۱، $p < 0.001$) رابطه ضعیف‌تر را نشان می‌دهد. اگرچه معنادار است، اما میانگین پایین‌تر و بازه اطمینان گسترده‌تر نشان می‌دهد این نگرش به‌اندازه دو عامل قبلی قوی نیست. ممکن است برخی افراد بین «تقدیر الهی» و «برنامه‌ریزی شخصی» توازن برقرار کنند.

هنجارهای اجتماعی- قومیتی با (آماره تی=۱۸/۶۲، $p < 0.001$) رابطه معکوس را نشان می‌دهد. این متغیر نه تنها بی‌تأثیر نیست، بلکه جهت تأثیر آن معکوس است؛ یعنی هرچه فشار هنجارهای قومیتی بیشتر باشد، تمایل به چندفرزندی کاهش می‌یابد. این ممکن است نشان‌دهنده واکنش منفی به کنترل اجتماعی یا کاهش نفوذ سنت‌های محلی باشد.

تحليل مسير

برای شناسایی مکانیسم‌های غیرمستقیم تأثیر، تحلیل مسیر با انتخاب متغیرهای زمین‌های کلیدی (سن، تحصیلات، فعالیت مجازی و مواجهه با رسانه) بر ادراکات دینی و ملی انجام شد. این متغیرها به دلیل سهم نظری در تعدیل رابطه هنجارهای دینی و رفتار باروری گزینش شدند.

جدول ۴. تحلیل مسیر ادراکات دینی ملی

ادراکات دینی و ملی	مسیر	ضرایب مسیر	آماره تی	ضریب معناداری	نتایج
ادراک از توصیه‌های دینی درباره فرزندآوری	تشویق رسانه -> ادراک از ...	۰/۱۰۱	۱/۸۹	۰/۰۵۹	رد
	الگوی سلامت -> ادراک از ...	۰/۱۸۳	۳/۱۸۹	۰/۰۰۲	تأیید
	سن -> ادراک از ...	۰/۰۱۶-	۰/۳۴۴	۰/۷۳۱	رد
	فعالیت مجازی -> ادراک از ...	۰/۱۴۳	۲/۵۳۵	۰/۰۱۲	تأیید
باور به جبرگرایی دینی	تحصیلات زن -> ادراک از ...	۰/۰۰۸-	۰/۱۴۵	۰/۸۸۵	رد
	تشویق رسانه -> باور به جبرگرایی	۰/۰۷۱	۱/۵۷۸	۰/۱۱۵	رد
	الگوی سلامت -> باور به جبرگرایی	۰/۱۸۳	۳/۷۰۶	۰	تأیید
	سن -> باور به جبرگرایی	۰/۰۵۶	۱/۲۸۹	۰/۱۹۸	رد
هنجارهای اجتماعی-قومیتی	فعالیت مجازی -> باور به جبرگرایی	۰/۰۳۷	۰/۷۰۸	۰/۴۸	رد
	تحصیلات زن -> باور به جبرگرایی	۰/۱۹۳-	۴/۳۲۲	۰	تأیید
	تشویق رسانه -> هنجارهای قومی	۰/۳۷۹	۸/۴۰۷	۰	تأیید
	الگوی سلامت -> هنجارهای قومی	۰/۰۵۸	۱/۳۰۸	۰/۱۹۱	رد
هنجارهای اجتماعی-قومیتی	سن -> هنجارهای قومی	۰/۰۱۶	۰/۳۷۳	۰/۷۰۹	رد
	فعالیت مجازی -> هنجارهای قومی	۰/۰۳۲-	۰/۷۱۹	۰/۴۷۳	رد
	تحصیلات زن -> هنجارهای قومی	۰/۱-	۲/۲۰۱	۰/۰۲۸	تأیید

رد	۰/۲۹	۱/۰۵۹	۰/۰۵۵	الگوی سلامت - آگاهی از بیانات...	آگاهی از بیانات سیاست‌گذاران درباره جمعیت
تأیید	۰/۰۰۳	۳/۰۱۹	۰/۱۲۲-	سن - آگاهی از بیانات...	
تأیید	۰	۴/۵۴۱	۰/۲۲۴	فعالیت مجازی - آگاهی از بیانات...	
رد	۰/۵۸۶	۰/۵۴۶	۰/۰۲۵-	تحصیلات زن - آگاهی از بیانات...	
تأیید	۰	۳/۵۵۸	۰/۱۴۶	تشویق رسانه - آگاهی از بیانات...	

با توجه به جدول ۳ الگوی سلامت با ($\beta=0.183, p=0.002$) رابطه مثبت و معنادار را بیان می‌کند و نشان می‌دهد زنانی که به الگوهای سلامت پایبندترند، بیشتر تحت تأثیر توصیه‌های دینی درباره فرزندآوری قرار می‌گیرند. فعالیت مجازی با ($\beta=0.143, p=0.012$) نشان می‌دهد حضور فعال در فضای مجازی با تقویت ادراک دینی همراه است، احتمالاً به دلیل مواجهه بیشتر با محتوای مذهبی. سن و تحصیلات تأثیر معناداری نداشتند که نشان می‌دهد ادراک دینی مستقل از این ویژگی‌های جمعیت‌شناختی است. الگوی سلامت با ($\beta=0.183, p<0.001$) بیانگر تأثیر مشابه با ادراک دینی و نشانگر همپوشانی این دو سازه. تحصیلات ($\beta=-0.193, p<0.001$) رابطه معکوس نشان می‌دهد به این منظور که با افزایش تحصیلات، باور به جبرگرایی کاهش می‌یابد. تشویق رسانه‌ای ($\beta=0.379, p>0.001$) قوی‌ترین رابطه در تحلیل است که حاکی از نقش کلیدی رسانه در شکل‌دهی به هنجارهای قومی است. تحصیلات ($\beta=-0.1, p=0.028$) رابطه معکوس ضعیف ولی معنادار، همسو با یافته‌های قبلی درباره کاهش تأثیر سنت‌ها را نشان می‌دهد. فعالیت مجازی با ($\beta=0.224, p<0.001$)، تشویق رسانه‌ای با ($\beta=0.146, p<0.001$)، سن با ($\beta=-0.122, p=0.003$) بیانگر این الگوست که زنان جوان‌تر و فعال‌تر در فضای مجازی، بیشتر تحت تأثیر گفتمان سیاسی درباره جمعیت قرار دارند.

به‌طور کلی رسانه هم هنجارهای قومی را تقویت می‌کند ($\beta=0.379$) و هم آگاهی سیاسی را ($\beta=0.146$)، اما بر ادراک دینی مستقیم تأثیر ندارد. تحصیلات از یک سو باورهای جبرگرایانه را کاهش می‌دهد ($\beta=-0.193$) و از سوی دیگر هنجارهای قومی را تضعیف می‌کند ($\beta=-0.1$).

الگوی سلامت به‌عنوان متغیر کلیدی تنها عاملی است که هم بر ادراک دینی ($\beta=0.183$) و هم بر جبرگرایی ($\beta=0.183$) تأثیر مثبت دارد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف بررسی تأثیر ادراکات دینی و ملی بر تمایل به چندفرزندی در میان زنان ایرانی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که عوامل دینی به‌ویژه باور به توصیه‌های قرآنی (با میانگین موافقت ۷۸,۴ درصد) و عمل به سفارش‌های مذهبی (۷۲,۷ درصد)، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار چندفرزندی هستند. این نتایج با چارچوب نظری تحقیق که بر نقش محوری دین در شکل‌دهی به ارزش‌های خانوادگی تأکید داشت، همخوانی کامل نشان می‌دهد. جالب توجه آنکه تأثیر این عوامل حتی از متغیرهای اقتصادی که در بسیاری از مطالعات غربی به‌عنوان تعیین‌کننده‌های اصلی باروری مطرح می‌شوند، قوی‌تر بوده است. متغیر دینداری در اغلب پژوهش‌های پیشین دارای رابطه معناداری با تمایل به فرزندآوری بوده است و نتایج مشابهی به‌دست‌آمده. در این خصوص نتایج تحقیقات کلانتری و همکاران (۱۳۸۹) می‌گوید متغیر گرایش مذهبی تأثیر فزاینده‌ای بر میزان گرایش جوانان به فرزندآوری داشته است. به عبارتی هرچقدر افراد دین‌باورتر بوده‌اند، گرایش به داشتن فرزند در آنان بیشتر بوده است. دورکیم (۱۳۸۳) نیز تأکید می‌کند که یکی از عوامل تأثیرگذار بر میزان باروری، دینداری و باورهای دینی است. همچنین نتایج مطالعات هینک^۲ (۲۰۰۶) نشان می‌دهد: سکولاریزاسیون و اعتقاد مذهبی از جمله متغیرهای باارزشی هستند که جزء ضروری از تحقیقات مربوط به انتقال جمعیتی است و به نظر می‌رسد افراد مذهبی به دلیل راحتی و امید به آینده، امکان زادوولد بیشتر را فراهم می‌کنند.

نتایج مطالعه نشان می‌دهند که ادراکات دینی و ملی زنان ارتباط معناداری با تمایل آن‌ها به چندفرزندی دارند. به‌عبارت‌دیگر، زنانی که ادراکات دینی و ملی قوی‌تری دارند، بیشتر تمایل به داشتن تعداد بیشتری فرزند دارند. این نتیجه با توجه به یافته‌ها نشان می‌دهد دین و ارزش‌های ملی بر تصمیمات زنان در ارتباط با فرزندآوری و تعدد فرزندان تأثیر می‌گذارند. برای مثال، در برخی از دین‌ها و فرهنگ‌ها، داشتن فرزندان بیشتر به‌عنوان وظیفه و مسئولیت می‌تواند مورد تشویق قرار گیرد.

همچنین دراهکی (۱۳۹۳) تأثیر ادراکات تقدیرگرایانه بر روند باروری را در پژوهشی که به نقش هنجارهای فرهنگی همچون تقدیرگرایی و ترجیح جنسیتی پرداخته تأیید می‌کند. اگرچه در تحقیقات دیگری (راد و ثوابی ۲۰۱۶، رضایی نسب و فتوحی ۱۳۹۶)

این رابطه معنادار نبوده است و با نتایج این تحقیق همسو است. علاوه بر ادراکات دینی و ملی، ادراکات سیاسی و اعتقاد به جبرگرایی نیز تأثیر معناداری بر تمایل زنان به چندفرزندی دارند. این نتایج نشان می‌دهند که عوامل سیاسی و اعتقادات زنان نیز می‌توانند در تعیین تمایل به داشتن تعداد بیشتری فرزند نقش داشته باشند. ممکن است این امر به دلیل تأثیرات سیاسی و اجتماعی بر مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری زنان درباره فرزندآوری باشد. در پژوهش حاضر ادراکات سیاسی با درصد بالای فراوانی در پاسخنامه‌ها وجه تمایز قابل توجهی با سایر پژوهش‌ها دارد و متغیر جدیدی را می‌سنجد که پیش‌ازاین چندان به آن توجه نشده بود.

این مطالعه نشان داد که در جامعه ایران، دینداری فردی مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده رفتار باروری است و سیاست‌های جمعیتی می‌توانند با بهره‌گیری از این سرمایه فرهنگی، بر چالش‌پیری جمعیت غلبه کنند. با این حال، این تأثیر باید در کنار ارتقای کیفیت زندگی خانواده‌های پرجمعیت مورد توجه قرار گیرد تا از تبدیل «فرزندآوری» به «باروری تحمیلی» جلوگیری شود. در راستای نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود تبلیغات دینی بر «فرزندآوری مسئولانه» به جای کمتی‌گرایی صرف متمرکز شود. تولید محتوای نمایشی که الگوهای چندفرزندی موفق را با تأکید بر جنبه‌های سلامت‌محور معرفی کند. گنجانیدن مفاهیم «تعادل بین برنامه‌ریزی خانوادگی و ارزش‌های دینی» در برنامه‌های آموزش قبل از ازدواج. اختصاص تسهیلات ویژه به خانواده‌های پرجمعیت در مناطق محروم با اولویت استان‌های مرزی. ایجاد سامانه‌های مشاوره‌ای تلفیقی (دینی پزشکی) برای زوج‌های جوان.

این پژوهش با برخی محدودیت‌ها همراه بود که باید در تفسیر نتایج مدنظر قرار گیرد: اول اینکه، ماهیت خوداظهاری داده‌ها ممکن است تحت تأثیر سوگیری مطلوب‌نمایی اجتماعی قرار گرفته باشد. دوم، اگرچه تلاش شد نمونه‌گیری از مناطق مختلف کشور انجام شود، اما تفاوت‌های فرهنگی و قومیتی بین استان‌ها به‌طور کامل کنترل نشد. سوم، دسترسی ناقص به داده‌های دقیق جمعیتی از مرکز آمار ایران، نمونه‌گیری تصادفی را با چالش مواجه ساخت و محدودیت چهارم اینکه به‌طور کلی دسترسی به زنانی که دارای حداقل سه فرزند باشند، به‌سختی امکان‌پذیر بود.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع و مأخذ

- آزاده، منصوره اعظم و عاطفه توکلی (۱۳۸۶). فردگرایی، جمع گرایی و دینداری. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، (۹)، ۱۰۱-۱۲۶.
- اسمیت، فیلیپ (۱۴۰۰). درآمدی بر نظریه فرهنگی: ترجمه حسن پویان؛ چاپ دوم: تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- باقری، شهلا؛ رضایی، زینب و زهرا خندان (۱۳۹۸). تأثیر نوگرایی بر تغییر نگرش زنان نسبت به باروری، نشریه پژوهش های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ۳(۲).
- بندشه، سهامه (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات فرزندآوری: در استان های ایران (مناطق شهری)، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام*.
- بگی، میلاد؛ صادقی، رسول و علی حاتمی (۱۴۰۰). تمایل به فرزندآوری در ایران: تعیین کننده ها و محدودیت ها. *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی فرهنگ*، ۱(۴)، ۵۹-۸۰. doi: 10.22083/scsj.2022.149113
- حاج علی، سعیده و سید میرزایی، سید محمد و سید محمدصادق مهدوی (۱۳۹۷). بررسی تأثیر دینداری، حمایت اجتماعی و تحصیلات بر گرایش به باروری زنان، *دوفصلنامه پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده*. ۶(۴).
- حسینی، حاتم (۱۳۹۰). جمعیت شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- چمنی، سولماز، شکر بیگی، عالی و محمود مشفق (۱۳۹۵)، مطالعه تعیین کننده جامعه شناسی فرزندآوری (موردکاوی: زنان متأهل شهر تهران)، *فصلنامه راهبردی اجتماعی فرهنگی*، شماره ۲۰.
- دراهمی، احمد و نیلوفر کوشکی (۱۳۹۸). تأثیر ویژگی های شبکه های اجتماعی در رفتار باروری زنان مناطق شهری استان. *نشریه مطالعات راهبردی زنان*. ۸۵(۳).
- زنجان، حبیب الله، میرزایی، محمد، مهریار، امیر هوشنگ و کامل شادپور (۱۳۸۱). جمعیت توسعه و بهداشت باروری، تهران، نشر بشری.
- راد، فیروز و حمیده ثوابی (۱۳۹۴). بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مطالعه موردی زنان متأهل ۵۰-۱۵ ساله ساکن شهر تبریز). *مطالعات زن و خانواده*، ۳(۱)، ۱۲۷-۱۵۵.
- رستگارخالد، امیر، محمدی، میثم و محمدناصر ریاحی (۱۳۹۶)، جهت گیری ارزشی زنان و کنترل باروری، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۷۵.
- رضایی نسب زهرا و سردار فتوحی (۱۳۹۶). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار باروری در بین زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر ایلام، *نشریه فرهنگ ایلام*، ۱۸(۵۴)، ۱۱۲-۱۳۳.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۲). کشاکش آرا در جامعه شناسی: نظریه های امروز جامعه شناسی؛ ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- شاه آبادی، زهرا، حسن سرایی، فریده خلیج آبادی فراهانی (۱۳۹۵)، نقش فردگرایی در قصد باروری زنان در شرف ازدواج (مطالعه شهرستان نیشابور)، پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صادقی، مسعود و سمیه روشن نیا (۱۳۹۵). بررسی نقش جمعیت خانواده بر ابعاد روانی فرزندان: امید به زندگی، تاب آوری و تمایز یافتگی. *فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۱(۳۶)، ۹۹-۱۲۱.

صادقی، رسول؛ عابدینی، زهرا؛ مالمیر، مهدی و مرضیه ابراهیمی (۱۴۰۳). تفاوت‌های قومی در ایدئال‌ها و رفتارهای فرزندآوری در ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۹ (۳۸)، ۵۷-۹۵.

doi: 10.22034/jpai.2024.2028587.1349

عباسی شوازی، محمدجلال، محمودیان، حسین، صادقی، رسول و زهرا قربانی (۱۳۹۷). تأثیر جهت‌گیری‌های ارزشی نگرشی بر ایدئال‌های فرزندآوری در ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۳ (۲۶)، ۳۷-۶۶.

عبداللهی، عادل و علی رحیمی (۱۳۹۶). برساخت اجتماعی سیاست‌های افزایش فرزندآوری و موانع پیش‌رو: مطالعه موردی کاربران اینترنتی. مطالعات راهبردی زنان، ۲۰ (۷۷)، ۳۵-۶۰.

قربانی، زهرا (۱۴۰۱). تحولات الگوی ایدئال فرزندآوری و علل آن در ایران بین سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۴. مطالعات زن و خانواده، ۱۰ (۳)، ۵۳-۷۶.
doi: 10.22051/jwfs.2022.33157.2530

کلانتری، صمد؛ ربانی، رسول و رزیتا اکتایی (۱۳۸۵). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیرگذار بر میزان باروری با تأکید بر نقش تنظیم خانواده در شهر اصفهان، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شوشتر، ۱ (۱)، ۱۵۰-۱۰۷.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات مرکز.

محمودیان، حسین و مهدی رضایی (۱۳۹۱). زنان و کنش کم فرزندآوری - مطالعه موردی زنان کرد، مطالعات راهبردی زنان. شماره ۵۵.

مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵.

میرابی، سعیده؛ میرزائی، حسین و غلامرضا حسنی درمیان (۱۳۹۹). بررسی پدیدارشناسانه آگاهی زنان متأهل از فرزندآوری، جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۱ (۳)، ۱-۲۰.

Azadeh, M. A. and tavakoli, A. (2007). Individualism, Communalism and Religiosity. *Cultural Studies & Communication*, 3(9), 101-126. [In persian]

Ahinkorah BO, Seidu AA, Armah-Ansah EK, Budu E, Ameyaw EK, Agbaglo E, Yaya S. Drivers of desire for more children among childbearing women in sub-Saharan Africa: implications for fertility control. *BMC Pregnancy Childbirth*. 2020 Dec 14;20(1):778. doi: 10.1186/s12884-020-03470-1. PMID: 33317476; PMCID: PMC7734747.

Abbasi-Shavazi, M. J., Mahmoudian, H., Sadeghi, R. and Ghorbani, Z. (2019). The Impact of Value-Attitude Orientations on the Ideals of Childbearing in Iran. *Journal of Population Association of Iran*, 13(26), 37-66. [In persian]

Abdollahi, A. and Rahimi, A. (2017). Social Construction of the Policies of Increasing of Childbearing and Leading Obstacles: A Case Study of Internet Users. *Women's Strategic Studies*, 20(77), 35-60. doi: 10.22095/JWSS.2017.59711 [In persian]

Bernardi, L. Keim, S & vonder lipp, H. (2007). "Social influences on fertility: A comparative mixed method study in eastern and western Germany". *Journal of mixed method research*, 1(1): 23- 47.

Bernardi, L., Klarner, a (2014). "Social networks and fertility", *demographic research*, vol 30, article 22: 641- 670.

Burt, R.S. (1982). Toward a structural theory of action: Network models and D. Bushell (eds), *Behavioral Sociology*. New York: Academic press.

- Balbo, N., & Barban, N. (2014). Does Fertility Behavior Spread among Friends? *American Sociological Review*, 79(3), 412-431. <https://doi.org/10.1177/0003122414531596>
- Bagheri, Sh, Rezaee, Z. Khandan, Z (2020). The Impact of modernity on women's attitudes toward fertility, *Journal of new researches in the field of history, culture and civilization of Shia*, 3(2), 1. magiran.com/p2082881 [In persian]
- Bandsheh, Sehameh, (2016), Study of factors affecting childbearing tendencies: in Iranian provinces (urban areas), Faculty of Literature and Humanities, Ilam University. [In persian]
- Bagi, M., Sadeghi, R. and Hatami, A. (2022). Fertility intentions in Iran: Determinants and limitations. *Strategic Studies of Culture*, 1(4), 59-80. doi: 10.22083/scsj.2022.149113
- Chaboki, O., Seyedan, F. and Saati Masoumi, T. (2018). Cultural Values and Tendency towards Child Bearing Among 15-49- Year- Old Women in Hamadan. *Gender and Family Studies*, 6(1), 106-127. [In persian]
- Chamani, S., Shekarbeigi, A. and Moshfegh, M. (2016). Sociological Determinants of Fertility (Case Study: Married Women Living in Tehran). *Socio-Cultural Strategy*, 5(3), 137-165. [In persian]
- Dorahaki, A. and Koshkaki, N. (2019). The Effect of Social Network Characteristics on women's Fertility in Urban Areas of Bushehr Province. *Women's Strategic Studies*, 22(85), 51-72. doi: 10.22095/JWSS.2019.109566. [In persian]
- Hajali, S., Seyed Mirzaei, S. M. and Mahdavi, S. M. S. (2019). An Investigation into the Effect of Religiosity, Social Support, and Education on the Tendency towards the Women's Pregnancy. *The Islamic Journal Of Women and The Family*, 6(4), 27-42. [In persian]
- Hink, H. and Schellhase, D. (2006), Family-Centered Care. *Journal for Specialists in Pediatric Nursing*, 11: 260-263. <https://doi.org/10.1111/j.1744-6155.2006.00080.x>
- Hosseini, Hatam. (2011) Socio-economic demography and family planning, Hamedan, Bu-Ali Sina University. [In persian]
- Halimatusa'diyah, Iim and Toyibah, Dzuriyatu(2021), Do Religious People Have More Children? The Effect of Religious Affiliation and Religiosity on Fertility. *Journal of Population and Social Studies*. (29)06 479-499
- Giddens, Anthony (1998), The Consequences of Modernity, translated by Mohsen Salasi, Tehran: *Markaz Publications*.
- Chorbani, Z. (2022). Changes in the ideal of childbearing and its causes in Iran between 2004 and 2015. *Journal of Woman and Family Studies*, 10(3), 53-76. doi: 10.22051/jwfs.2022.33157.2530 [In persian]
- Khongji, Phrangstone(2013), Determinants and Trends of an Ideal Family Size in a Matrilineal Set Up. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3017130>
- Kalantari, Samad; Rabbani, Rasoul and Oktai, Rosita (2006), Study of social, economic and cultural factors affecting fertility rate with emphasis on the role of family planning in Isfahan, *Scientific and Research Quarterly of Islamic Azad University - Shushtar Branch*, 1(1), 107-150. [In persian]

- Jin, Y. Hu, W. & Wang, D. (2023). Fertility transition of Han and ethnic minorities in China: A tale of convergence and variation. *Chinese Journal of Sociology*, 9(4), 522-552. <https://doi.org/10.1177/2057150X231207916> (Original work published 2023)
- McAllister, L. Gurven, M. Kaplan, H. & Stieglitz, J. (2012). Why do women have more children than they want? Understanding differences in women's ideal and actual family size in a natural fertility population. *American journal of human biology: the official journal of the Human Biology Council*, 24(6), 786-799. <https://doi.org/10.1002/ajhb.22316>
- McDonald, A. (2005). "Fertility and racial stratification population and development", Re.view, No. 22, pp.134-150.
- Mahmudian, H. and Rezaei, M. (2012). Women and Low Childbearing Action: The Case Study of Kurdish Women. *Women's Strategic Studies*, 14(55 (spring 2012)), 173-225. **[In persian]**
- Mirabi, S., Mirzaei, H. and Hassani Darmian, G. R. (2020). A Phenomenological Study on Married Women Awareness of Childbearing. *Journal of Applied Sociology*, 31(3), 1-20. doi: 10.22108/jas.2019.116833.1683. **[In persian]**
- Malmir M, Ebrahimi M, Sadeghi R. Religious Affiliation and Childbearing Preferences of Iranian Women. *J Relig Health*. 2023 Apr;62(2):748-763. doi: 10.1007/s10943-022-01725-z. Epub 2023 Jan 6. PMID: 36609952.
- Rastegar khaled, A., Mohammadi, M. and Reiahi, M. N. (2017). Women's Valuation Orientation and Fertility Control. *Women's Strategic Studies*, 19(75), 7-31. doi: 10.22095/jwss.2017.51742 **[In persian]**
- Rad, F. and Savabi, H. (2015). Investigation on Tendency to Fertility and its Related Social Factors (A Case Study of Married Women Aged 15 to 50 in Tabriz). *Journal of Woman and Family Studies*, 3(1), 127-155. doi: 10.22051/jwfs.2015.2199 **[In persian]**
- Rezaeinasab, Z, Fotoohi, S (2017). Socio-cultural Factors Influencing the Fertility of Married Women (49-15) in Ilam City, *Ilam Culture*, 18(54), 112-133. magiran.com/p1760896 **[In persian]**
- Shahabadi, Z., Saraei, H. and Khalajabadi Farahani, F. (2014). Role of Individualism on Fertility Intention among Women Who are about to Marry (The Case of Neishabour City). *Journal of Population Association of Iran*, 8(16), 29-54. **[In persian]**
- Sadeghi, Masoud, and Roshannia, Somayeh. (2016). Investigating the role of family population on children's psychological dimensions: life expectancy, resilience, and differentiation. *Women's and Family Educational Culture*, 11(36), 99-121. **[In persian]**
- Smith, Philip Daniel(2020) Cultural theory: an introduction. Translator: Hassan Pouyan. Publishers: Cultural Research Office, International Center for Dialogue of Civilizations **[In persian]**
- Sadeghi, R., Abedini, Z., Malmir, M. and Ebrahimi, M. (2025). Ethnic Differences in Childbearing Ideals and Behaviors in Iran. *Journal of Population Association of Iran*, 19(38), 57-95. doi: 10.22034/jpai.2024.2028587.1349 **[In persian]**

Seidman, Steven (2017). Contested knowledge: Social theory today. Jalili, Hadi, translator. **[In persian]**

OlaOluwa S. YAYA. Olawale D. OSANYINTUPIN. Olalekan J. AKINTANDE. "Determinants of Desired and Actual Number of Children and the Risk of having more than Two Children in Ghana and Nigeria." *Afr. J. Appl. Stat.* 5 (2) 403 - 418, July 2018. <https://doi.org/10.16929/ajas/403.222>

Zanjani, Habibollah, Mirzaei, Mohammad, Mehryar, Amirhoshang, Shadpour, Kamel, (2002), Society for Reproductive Health and Development, *Tehran, Bashari Publication*. **[In persian]**



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.